

## مدیریت عالی نهضتی

### مبانی و مأموریت‌ها

ابوالفضل صدقی \*

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره 4، پیاپی 64، زمستان 1394؛ صفحات 159-131

#### چکیده

یکی از اصول روشن قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از مبانی قرآنی و توحیدی است، حمایت از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان عالم در برابر قدرت‌های مستکبر است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان را در همه جوامع بشری، آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند و هدف خود را، ایجاد تمدن نوین اسلامی قرار می‌دهد. طبق قانون اساسی و اسناد بالادستی و بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، بخش مهمی از این مأموریت برعهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مدیریت عالی نهضتی است. اکنون در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤالات بودیم که مبانی مدیریت عالی نهضتی چیست و مدیر عالی نهضتی چه مأموریت‌های مشخصی را به عهده دارد؟ در ابتدا مفهوم نهضت را از دیدگاه قرآن و سنت، دانشمندان و رهبران انقلاب اسلامی بررسی و سپس شاخص‌های مدیریت عالی نهضتی را در اسلام و در کلام آیت‌الله خامنه‌ای جست‌وجو کردیم. از آنجا که مأموریت‌های مدیریت عالی نهضتی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی تعریف شده است ضمن بررسی شاخص‌های تمدن اسلام، مأموریت‌های مدیر عالی نهضتی را ذیل سه مأموریت تولید جنبش و نهضت، دولت‌سازی و نظام‌سازی و حفظ دولت نهضتی در محیط بین‌المللی تبیین نمودیم.

#### واژگان کلیدی

مدیریت، نهضت، مدیر عالی نهضتی، تمدن اسلامی

\* دکتری امنیت ملی [Sedghi1968@gmail.com](mailto:Sedghi1968@gmail.com)



## 1. مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه، نظام جمهوری اسلامی ایران با رأی اکثریت قاطع ملت ایران برقرار گردید. ایجاد جمهوری اسلامی و دولت اسلامی و سپس بیداری اسلامی و بیداری معنوی در سراسر جهان از اهداف کبیر این انقلاب بود. به همین دلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مسلمانان و مستضعفان در برابر قدرت‌های بزرگ است. در همین زمینه، در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی همه مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند. همچنین برای گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه امت واحده را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در همه جهان قوام یابد».

در اصل 154 قانون اساسی نیز آمده است:

«جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در همه جوامع بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». حمایت می‌تواند مفهوم گسترده‌ای را شامل شود و از ارسال سلاح و اعزام قوا تا تقدیم عواطف و ابراز احساسات صمیمانه و دوستانه و نصیحت مشفقانه به مظلومان را در راستای همدردی و یا گفت‌وگو با ظالمان برای احقاق حقوق محرومان دربرگیرد (ایزدی، 1381: 137).

با این توصیف، یکی از مأموریت‌های مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی و مستضعفان جهان است که در جمهوری اسلامی، مدیریت آن برعهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مدیریت



عالی نهضتی است. با توجه به این مأموریت، سؤالات ذیل مطرح می‌شود که تلاش داریم در این مقاله به آنها پاسخ دهیم:

1. مبانی مدیریت عالی نهضتی چیست و چگونه تعریف می‌شود؟
2. مأموریت‌های مدیریت عالی نهضتی کدام حوزه‌ها را دربرمی‌گیرد و چگونه تعریف می‌شود؟

هدف ما از این تحقیق این است که اولاً مدیریت عالی نهضتی را بر اساس مبانی علوم انسانی اسلامی توصیف کنیم و بگوییم که یک مدیر راهبردی نهضتی بر اساس مبانی مدیریت اسلامی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و سپس با تعریف نهضت، حوزه‌های مأموریتی‌اش را مشخص سازیم. مسئله مهم ما در این تحقیق، تبیین نظری مدیریت عالی نهضتی و حوزه‌های مأموریتی آن بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی و سیاست خارجی توحیدی است. به همین دلیل ما در این مقاله با سه مفهوم مدیریت، مأموریت و نهضت روبه‌رو هستیم.

## 2. تعریف مفاهیم

### 2/1. مبانی نهضت

نهضت، واژه‌ای عربی معادل واژه خیزش و جنبش در زبان فارسی است. جنبش نیز اسم مصدر از جنیدن است که ابتدا در علم نجوم کاربرد داشته و همانند واژه انقلاب از این علم در علوم سیاسی به عاریت گرفته شده است. این واژه کنایه از حرکت قلم قضا و قدر در لوح «نخستین حرکت سیارات» در علم نجوم است و به طور کلی در علوم سیاسی و علوم اجتماعی، به حرکت‌ها و خیزش‌های فکری و اجتماعی گفته می‌شود که درصدد اصلاح جامعه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی یعنی از توزیع قدرت سیاسی تا توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های مادی و معنوی و از اصلاح فکری، فرهنگی تا اصلاح نظام سیاسی باشند. در این قسمت به دیدگاه‌های مختلف درباره مفهوم و تعریف نهضت اشاره خواهد شد.



قرآن و سنت: واژه نهضت در قرآن ذکر نشده، اما مفهوم و معنای آن یعنی اصلاح، به طور گسترده‌ای در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی به کار رفته است. اصلاح به معنی سامان بخشیدن، در برابر فساد قرار دارد. دو واژه اصلاح و فساد از زوج‌های متضاد قرآنی است که در قرآن کریم به کرات بیان شده‌اند. اصلاح در قرآن گاهی درباره رابطه دو فرد است مانند اصلاح ذات البین، گاهی درباره محیط خانوادگی استعمال می‌شود و گاهی نیز در رابطه با محیط بزرگ اجتماعی به کار می‌رود که اکنون مورد بحث است (مطهری، 1368: 7). قرآن در تعبیری کلی، پیامبران را مصلح می‌خواند و از زبان حضرت شعیب می‌فرماید: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود/ 88). ریشه اصلاح طلبی در سیره ائمه اطهار(ع)، به صورت بارزی مشاهده می‌شود و چنین معنایی در رهنمودها و خطابه‌های آنها قابل فهم و استفاده است. حضرت علی(ع) نقش خود را از نظر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، چنین توضیح می‌دهد: «خدایا، تو خود آگاهی که آنچه از ناحیه ما صورت گرفت، رقابت در کسب قدرت یا فزون‌طلبی نبود، بلکه برای بازگرداندن سنن تو که نشانه‌های راه تو است و اصلاح آشکار و چشمگیر در شهرهای تو بود تا بندگان مظلوم و محروم امن یابند و مقررات به زمین مانده تو از نو به پا داشته شوند» (نهج‌البلاغه، خطبه 131).

حضرت امام حسین(ع) در جمع بزرگی از کبار صحابه در ایام حج با آوردن جمله‌های پدر، نقش خود را در اقداماتی که قصد آنها را داشته است به عنوان مصلح بیان می‌کند. ایشان همچنین در وصیت‌نامه معروف خود به برادرش محمد بن حنیفه چنین می‌فرماید: «قیام من قیام فردی جاه‌طلب، کامجو یا آشوبگر و ستمگر نیست، در جست‌وجوی اصلاح کار امت جدم به پا خاسته‌ام. اراده دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیرت جد و پدرم رفتار نمایم». حضرت امام کاظم(ع) نیز اصلاح‌طلبی را شیوه همه امامان معصوم و پیروان صادق آنها معرفی می‌کند و در حدیثی خطاب به یکی از اصحابش می‌فرماید: «به تحقیق من



برای تو گفته‌ای را نقل می‌کنم که همه اجداد من - که درود خدا بر آنان باد، بر آن تأکید ورزیده‌اند و آن اینکه، به درستی که حق و باطل را هوادارانی، اما حق‌مداران کسانی‌اند که برای اصلاح اجتماع مسلمانان به وسیله ما به درگاه خداوند زاری می‌کنند. خدا نیز ما را مانند رحمتی برای پشتیبانی ناتوانان و توده‌های مردم برمی‌انگیزد و اینان که اصلاح اجتماعی را به رهبری و هدایت ما از خدا می‌طلبند، از پیروان راستین، نزدیکان، حزب، تشکیلات و از سرسپردگان به ولایت ما هستند». سرانجام، ظهور حضرت مهدی (عج) بر اساس آیات و روایات بی‌شمار، در راستای گسترش عدالت در جهان و رفع ظلم از آن خواهد بود و آخرین مصلحی است که به داد مظلومین خواهد رسید. فلسفه قیام و حضور حجت (عج) دلیل روشنی بر اصلاح‌طلبی دائمی میان مسلمانان به ویژه شیعیان است. اصلاح‌طلبی روحیه‌ای اسلامی است و هر مسلمانی به حکم اسلام، خواه یا ناخواه اصلاح‌طلب یا طرفدار اصلاح‌طلبی است، زیرا هم به عنوان شأن پیامبری در قرآن مطرح شده و هم از سیره‌های ائمه اطهار (ع) است. همچنین اصلاح‌طلبی یکی از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شود که از ارکان تعلیمات اجتماعی اسلام است (شهید مطهری، 1368: 8).

دیدگاه اندیشمندان: تام باتامور یکی از جامعه‌شناسان سیاسی، نهضت را کوشش جمعی برای رسیدن به هدف یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه اطلاق می‌کند. استاد شهید مرتضی مطهری، نهضت را حرکت اصلاح‌طلبانه اجتماعی می‌داند که به دنبال تغییر وضع موجود به وضعی مطلوب است (شهید مطهری، 1368: 9). در تعریفی دیگر، نهضت به معنی «هیجان، حرکت مردمی و کوشش جمعی برای رسیدن به هدفی روشن به ویژه دگرگونی در بعضی نهادهای اجتماعی» توصیف شده است که در این معنا، نهضت در برابر احزاب یا گروه‌های فشار در نظر گرفته می‌شوند. دکتر موثقی، جنبش‌های اجتماعی و سیاسی را از مقوله تغییر و تحول اجتماعی می‌داند. دکتر حمید احمدی، یکی

دیگر از اساتید صاحب نظر درباره نهضت‌ها با مفهوم اقدام جمعی به تبیین مفهوم نهضت پرداخته است. اقدام جمعی به عنوان یکی از مفاهیم مهم در جامعه‌شناسی سیاسی، دارای رهیافت‌های مختلف است. دکتر احمدی نهضت را گروه‌های سازمان‌یافته‌ای در نظر گرفته که در پی دستیابی به اهداف خاص هستند و با توجه به تعاریف ارائه شده از دیدگاه‌های مختلف، می‌توان گفت نهضت پدیده‌ای اجتماعی است که بر اساس فکری اصلاح‌طلبانه، بشری یا الهی درصدد تحول در ابعاد مختلف حیات اجتماعی با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز جمعی یا جز آن بوده است و لزوماً به انقلاب ختم نمی‌شود. همان‌گونه که اشاره شد نهضت یا جنبش، مولود اجتماعی است که اغلب دغدغه اصلاح نظم سیاسی و اجتماعی را در یک جامعه دنبال و همدلی و همراهی فکری و عملی مردم را جلب می‌کند. همچنین به صورت مسالمت‌آمیزی برای تحقق امور و تفکر اصلاحی در قالب نهادها و سازمان‌های سیاسی قانونی یا گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و شبه‌نظامی غیرقانونی مبارزه می‌کند.

نهضت در نظر رهبران انقلاب: با توجه به هویت اسلامی انقلاب اسلامی ایران و رهبران مذهبی آن، برداشت آنها از مفهوم نهضت همان برداشتی است که از قرآن کریم، سنت پیامبران (ص) و ائمه اطهار (ع) صورت گرفته است. امام خمینی (ره) مبارزه مستضعفین علیه ظلم مستکبران را این‌گونه تبیین می‌کنند: «... تمام ادیان آسمانی از میان توده‌ها برخاسته و با کمک مستضعفین بر علیه مستکبرین حمله برده‌اند.... مستضعفین در طول تاریخ به کمک انبیا برخاسته و مستکبرین را به جای خود نشانده‌اند... (صحیفه نور، جلد 6: 189).

«تعلیمات اسلام برای این است که مستکبری در زمین نباشد و مستکبرین نتوانند مستضعفین را استثمار کنند. ما به تبع تعالیم عالی قرآن و آنچه از اسلام بر سیره رسول اکرم (ص) و ائمه به دست آوردیم و از سیره انبیا چنانچه در قرآن نقل می‌فرماید به دست آوردیم، آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند و بر



مستکبرین شورش کنند و نگذارند حقوق آنها را ببرند (صحیفه نور، جلد 6: 71).

مطابق آنچه از بیانات امام خمینی (ره) در تعریف نهضت به دست می‌آید، نهضت همان مبارزه با ظلم ظالمان و احقاق مظلومان است که توسط توده‌های مستضعف صورت می‌پذیرد. به سخن دیگر، نهضت از دیدگاه حضرت امام (ره) حرکتی حق‌طلبانه از سوی مظلومین علیه ظالمین است. در همین راستا، امام (ره) حرکت‌های انبیا و قیام امام علی (ع) و امام حسین (ع) و ظهور حضرت حجت (عج) را در راستای نجات مظلومین از دست ظالمین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. از این رو، حضرت امام (ره) یکی از استراتژی‌های مهم انقلاب اسلامی ایران را دفاع از مظلوم ذکر می‌کنند و می‌فرمایند:

«ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین (ع) در وصیت معروفش به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: و کونوا لِلظالم خَصْماً وَ لِلْمظلوم عَوْناً، دشمن ستمگر و یاور و پشتیبان ستمدیده باشید» (صحیفه نور، جلد 6: 44). آیت‌الله خامنه‌ای نیز مبارزه با امریکا و ابرقدرت‌ها را به خاطر بنا شدن زندگی آنها بر زورگویی، زیاده‌طلبی و تصرف محیط زندگی ملت‌ها و محروم کردن آنها به نفع خود مورد تأکید قرار می‌دهند.

به طور کلی از مجموعه تعاریف فوق می‌توان مدیریت نهضتی را در راستای منویات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری سازماندهی، پشتیبانی و هدایت جنبش‌های اسلامی و غیراسلامی در مقابله با نظام سلطه جهانی دانست. جنبش‌های اسلامی و غیر اسلامی و محور مقاومت استکبارستیز، امریکا و حلقه‌های حامی او محور سلطه‌گران هستند. از این رو، مدیریت نهضتی به دنبال حمایت و تقویت محور سلطه‌ستیزان است.



## 2/2. مدیریت نهضتی

تعریف مدیریت در حوزه نهضتی، برآمده از مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی توحیدی است و از آنجا که غایت مدیر نهضتی متفاوت با مدیریت سکولار است، تعریفی متفاوت دارد. مدیریت نهضتی را می‌توان با عباراتی مانند مدیریت و فرماندهی ارزشی و جهادی نام برد که همان مدیریت اسلامی است. مبانی مدیریت اسلامی در وهله اول بر خدامحوری، وحی‌گرایی، امامت، عدالت‌طلبی، آخرت‌گرایی، بصیرت، معنویت و صداقت استوار است و در عین حال، نگاه راهبردی نیز دارد که آینده‌نگری با افق زمانی بلندمدت، فعالیت‌های چندبعدی با خاصیت هم‌نیروزی، تأکید بر نوآوری و خلاقیت و منطق استدلالی از ویژگی‌های آن است (داوری، شانه‌ساززاده، 1380: 34). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اخلاق انسانی و اقتدار را از شاخص‌های مدیریت اسلامی می‌داند و در همین راستا می‌فرماید:

«هر چه می‌توانید مدیریت‌تان را اسلامی کنید. مدیریت اسلامی یعنی اخلاق انسانی به اضافه اقتدار مدیرانه» (بیانات، در دیدار با فرماندهان ندسا، 1377/2). اگر بخواهیم تفاوت فرماندهی و مدیریت نهضتی را با مدیریت سکولار برشماریم، می‌توانیم به موارد ذیل اشاره کنیم:

- در مدیریت غربی، هدف رسیدن به سود و منفعت فردی و سازمانی است، در حالی که در مدیریت نهضتی هدف قرب الهی است.
- مدیر نهضتی به شغل خویش مانند یک تکلیف و مسئولیت نگاه می‌کند و خود را در محضر خدا پاسخگو می‌داند.
- در نظام فرماندهی نهضتی، سود هدف اول نیست و به اندازه کفایت و با رعایت اصل عدالت به دست می‌آید.
- در روش به دست آوردن سود، عدم مغایرت این روش‌ها با مصالح عمومی و سایر موازینی که مشروعیت دارند، شرط است.

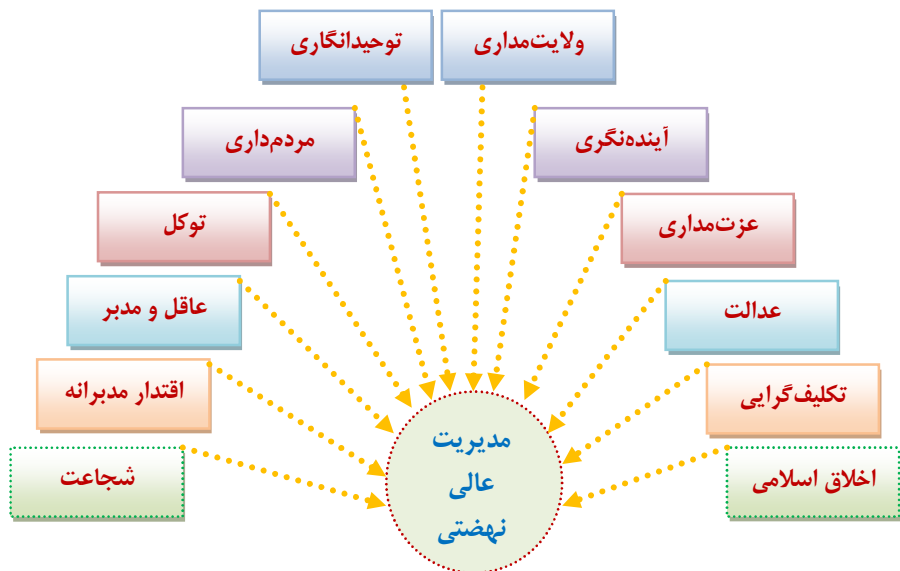




- در دیدگاه نظام ارزشی، مدیریت نهضتی چون هدف و غایت اصلی کمال و رشد الهی انسان است، مدیریت و تمام اصول برنامه‌ریزی به سوی تحقق این هدف جهت‌گیری می‌شود.

- در مدیریت نهضتی، ولایت‌مداری دال‌گفتمانی آن را شکل می‌دهد، زیرا معتقد است عقل الهی در شخص ولی متبلور شده و به دلیل عدالت از کمترین خطا برخوردار است. در پایان می‌توان الگوی مدیریت نهضتی را به شکل زیر نشان داد.<sup>1</sup> این شاخص‌ها بیشتر از دیدگاه مقام معظم رهبری استخراج شده است.

### شاخص‌های مدیر عالی نهضتی



### 3. مأموریت‌های مدیریت عالی نهضتی

همان‌طور که در مقدمه این مقاله آمد مهم‌ترین مأموریت مدیریت عالی نهضتی، حمایت از جریان حرکت اسلام ناب و جنبش‌های اسلامی و استکبارستیز و

1. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

دانشگاه جامع امام حسین(ع)، مرکز امامت (1393)، فرماندهی و مدیریت اسلامی؛ راه‌جویی از اندیشه‌ها و آرای حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی).

حمایت از مظلومان و مستضعفان است و این مأموریت در ذیل هدف اصلی انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تعریف شده است. قبل از آنکه به مأموریت‌های ویژه مدیر عالی نهضتی اشاره کنیم، لازم است مشخصه‌های تمدن نوین اسلامی را در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بررسی کنیم تا در ذیل آن، مأموریت مدیر عالی نهضتی تبیین شود.

### 3/1. تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای همواره تلاش داشته است به کمک مبانی دینی و قرآنی به بازتعریف تمدن اسلامی نوین پردازد. وی پیش از تعریف تمدن نوین اسلامی، تمدن غربی را نقد می‌کند و می‌فرماید: «روزی مردم اروپا توانستند از دانش و فلسفه مسلمین استفاده و تمدنی را برای خود شالوده‌ریزی کنند. این تمدن یک تمدن مادی بود. از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید و چون مادی بود بی‌محابا از ابزارهای گوناگون استفاده کردند؛ [از طرفی] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را از درون تقویت کردند با علم و با فناوری و با تجربه و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. این کاری بود که اروپایی‌ها در چهار پنج قرن انجام دادند. این تمدنی که آنها به دنیا عرضه کردند، جلوه‌های زیبایی از فناوری، سرعت، سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت؛ اما خوشبختی انسان‌ها را تأمین نکرد. عدالت را برقرار نکرد و به‌عکس، بر فرق عدالت کوبید، ملت‌هایی را اسیر کرد، ملت‌هایی را فقیر کرد، ملت‌هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند و از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی می‌دهند. یک سیاستمدار برجسته غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس می‌کنیم. راست



می‌گوید که این تمدن، ظاهر پُرزرق و برقی داشت؛ اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی، خود را دارد نشان می‌دهد. در امریکا یک جور، در اروپا یک جور، در مناطق تحت سلطه اینها در سراسر دنیا هم یک جور» (بیانات، 94/10/8).

ایشان بعد از آسیب‌شناسی تمدن سکولار و بیان تضادهای درون آن پیشنهاد ایجاد تمدن نوین اسلامی را دادند و فرمودند:

«امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ. امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان‌که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، متتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ما است.»

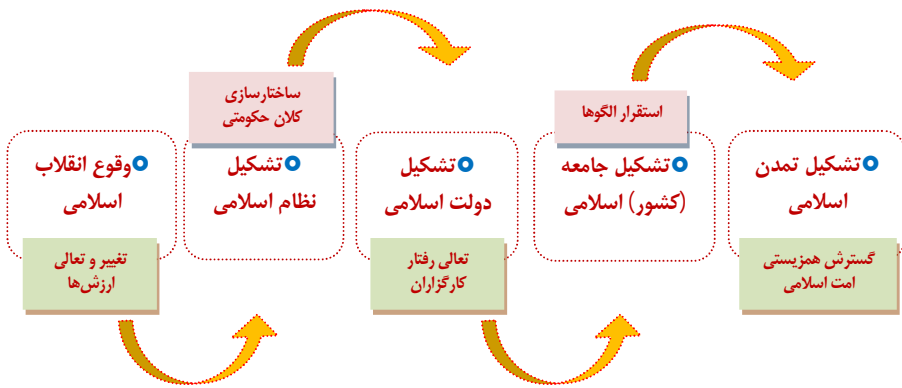
در همین راستا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مراحل پنج‌گانه‌ای را برای رسیدن به تمدن اسلامی طراحی کردند و در تبیین این مراحل، پنج مرحله را به ترتیب زیر عنوان کردند:

مرحله اول در این فرایند، شکل‌گیری انقلاب اسلامی است و پس از آن باید بلافاصله نظام اسلامی تشکیل شود که هنر بزرگ امام خمینی (ره) نیز ایجاد نظام اسلامی بود. رهبر انقلاب، مرحله سوم را که اکنون در آن قرار داریم، «تشکیل دولت اسلامی» یعنی تشکیل دولتی بر اساس الگوها و معیارهای کاملاً اسلامی خواندند و افزودند: تا وقتی این مرحله به طور کامل محقق نشده است، نوبت به تشکیل جامعه اسلامی نمی‌رسد و در این صورت، موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در سطح گفت‌وگو در جامعه باقی خواهد ماند. ایشان، گام نهایی در مراحل پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق تمدن اسلامی دانستند و

خاطر نشان کردند که تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست، بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است (بیانات 95/2/6).

همان‌طور که مشاهده کردیم در نظام اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، تحقق تمدن نوین اسلامی به یکباره امکان‌پذیر نیست؛ بلکه دارای فرایند پنج مرحله‌ای است که در نمودار ذیل نمایش داده شده است.

### مراحل تکوین تمدن اسلامی



اما سؤال اصلی اینجاست که تمدن نوین اسلامی که به دنبال آن هستیم، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا به عنوان یک الگو، مورد نظر مدیر عالی نهضتی قرار گیرد؟ در واقع مهم‌ترین شاخص‌های این تمدن نوین چیست؟

براساس اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای نقطه کلیدی تمدن نوین اسلامی، توأمان بودن مادیات و معنویت و احتراز از نگاه‌های تک‌بعدی و ناقص به انسان است. در این تمدن نه به بهانه علم و پیشرفت علمی، مرزهای اخلاق و دینداری مورد تهاجم و تخطئه قرار می‌گیرد و نه با تفاسیر تنگ‌نظرانه و انحرافی از دین و ارزش‌های الهی، مسیر پیشرفت و عقلانیت مسدود می‌شود. انسان در تمدن اسلامی دارای ارج، قرب و جایگاه والایی است و به اراده و قدرت او احترام



گذاشته می‌شود. اما در عین حال، رها و بدون قید و بند و مجاز به حرکت بر مدار هوا و هوس و خواسته‌های نفسانی خود نیست. در تمدن نوین اسلامی به نیازها و ظرفیت‌های امروز بشری توجه شده و به انسان زخم‌خورده از سوی مکاتب و جریان‌های غیرالهی، کرامت بخشیده خواهد شد. می‌توان مفهوم‌شناسی تمدنی را از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را این‌گونه خلاصه کرد که ایشان تمدن اسلامی را در دو سطح تحلیل و تبیین می‌کنند:

یکم: در سطح اول (سطح خرد)، ایشان تمدن اسلامی را نظام‌واره‌ای می‌دانند که زندگی خوب و باعزتی را برای انسان (مخلوق) مهیا می‌کند تا او به غایت مورد نظر خدای متعال (خالق) دست یابد.

دوم: در سطح دوم (سطح کلان)، ایشان تمدن اسلامی را چشم‌انداز و هدف غایی حرکت امت اسلامی در میان اجتماعات بشری تعریف و تبیین می‌کنند و تنوع ملت‌ها و تفاوت شرایط فرهنگی و اقلیمی را در این بحث به رسمیت می‌شناسند (بهمنی، 1393).

از مجموعه مطالعه مراحل تکوین تمدن اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که در حوزه کاربردی و عمل، سه مرحله مهم را باید طی کرد؛ ملت‌سازی در طراز تمدن نوین اسلامی (ایجاد جنبش جهت انقلاب)، ایجاد دولت اسلامی (نظام‌سازی) و تشکیل جوامع اسلامی برای گسترش هم‌زیستی امت اسلامی. در واقع از مراحل تکوین تمدن اسلامی و اسناد بالا دستی (قانون اساسی جمهوری اسلامی، اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری) می‌توانیم سه مأموریت حیاتی را برای مدیریت عالی نهضتی تعریف کنیم.

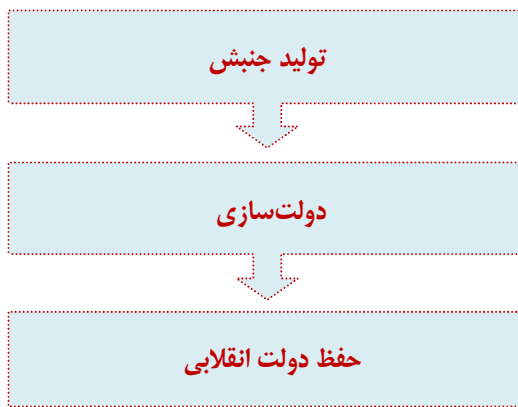
### 3/2. مأموریت‌های مدیریت عالی نهضتی

اکنون که با مفهوم و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای آشنا شدیم، وظایف و مأموریت‌های مدیر عالی نهضتی مشخص‌تر شده است.



مدیر عالی نهضتی در این جهت، سه مأموریت خاص دارد؛ ملت‌سازی (تولید جنبش)، دولت‌سازی (نظام‌سازی) و حفظ دولت محور مقاومت در راستای تشکیل جوامع اسلامی برای گسترش هم‌زیستی امت اسلامی. بدیهی است همه فعالیت‌های نهان، نظامی، دیپلماسی، فرهنگی، مستشاری و... هم‌سو با این سه مأموریت مهم طراحی می‌گردد.

مأموریت‌های سه‌گانه مدیریت عالی نهضتی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی



این سه هدف و مأموریت اصلی با ابزارهای مختلف انجام می‌شود و اگر ابزارهای مختلف در خدمت این سه هدف باشند، صفت نهضتی به خود می‌گیرند. برای مثال، اگر دیپلماسی با اشکال پنهان، آشکار و دیپلماسی عمومی در خدمت این سه هدف و مأموریت قرار داشته باشند، دیپلماسی نهضتی نام می‌گیرد و اگر اقتصاد، فرهنگ، رسانه و غیره در خدمت این سه هدف باشند اقتصاد نهضتی، فرهنگ نهضتی و یا رسانه نهضتی خواهند بود. در واقع، مدیریت عالی نهضتی تمام ابزارهای لازم فرهنگی، سیاسی، دیپلماسی، نظامی و اطلاعاتی را در خدمت مأموریت‌های نهضتی برای رسیدن به عمق بخشی انقلاب اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی به کار می‌گیرد. در ادامه به تبیین مختصر هر کدام از



مأموریت‌های مدیریت عالی نهضتی می‌پردازیم:

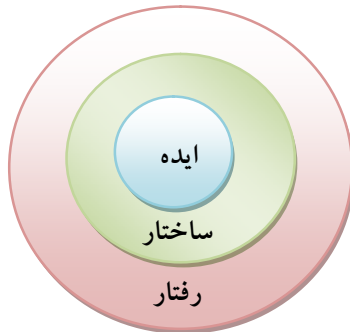
ملت‌سازی و تولید جنبش: هر نهضت و جنبشی یک شبه به وجود نمی‌آید. در یک فرایند زمانی (که با توجه به زیرساخت‌های اجتماعی متفاوت است) مدیر عالی نهضتی مأموریتی را باید با یک برنامه‌ریزی دقیق و نرم تحول اجتماعی در یک هدف آغاز کند. ابتدا تحول اجتماعی در حوزه‌های ارزشی و هویتی اتفاق می‌افتد. در دوران بعد از جنگ سرد شاهد تغییراتی هستیم که در آن، حکومت‌ها و یا دولت‌ها گاهی بدون وجود تهدید و اجبار، یا تطمیع و هزینه محسوسی سرنگون شدند. این تحولات مبتنی بر ظهور قدرت جدیدی است که از آن به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود که از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی کشور مورد نظر را هدف قرار می‌دهد و در راستای وضعیت مطلوب خویش در آن تغییراتی ایجاد می‌کند. این گونه تغییرات معمولاً از زیرساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، به ویژه حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود، یعنی عرصه‌هایی که معمولاً خارج از افق دید و نظارت راهبردی سرویس‌های اطلاعاتی سنتی قرار دارد.

بررسی مفاهیم و نظریه‌های نوینی مانند قدرت نرم حکایت از آن دارد که الگوی مفهومی مذکور به‌رغم تمام اختلافاتی که در دو رویکرد غربی و شرقی شاهد آن بوده، می‌تواند در تأمین خواسته‌های بازیگران مختلف در عصر حاضر، ایفای نقش کند (افتخاری، 1389: 48). در واقع قدرت نرم، توانایی حفظ هویت و تأثیرگذاری بر هویت دیگران است و با این تعریف و نگرش همه اقداماتی که موجب می‌شود تا زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری نظام سیاسی، یک نظام در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست حفظ و یا در میان ملل پخش گردد را شامل می‌شود. تغییرات حاصل از تهدید نرم تغییراتی ماهوی، ذهنی، تدریجی و نرم‌افزارانه است که همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده



قدرت هنجارسازی از طریق تبلیغات، رسانه، احزاب و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد. در واقع مهم‌ترین نقطه مورد حمله قدرت نرم، هویت و هنجارهای یک واحد سیاسی است. هر واحد سیاسی از سه لایه تشکیل شده است که در لایه اول رفتار (عملکرد) دولت‌ها و در لایه دوم، ساختار (سازمان) وجود دارد؛ اما مهم‌ترین، عمیق‌ترین، کلیدی‌ترین و راهبردی‌ترین بخش هر نظام سیاسی، بخش ایده و هویت است.

#### ایده، ساختار و رفتار



اگر مدیر عالی نهضتی بتواند با مدیریت ادراکات و احساسات و بهره‌گیری هوشمندانه از قدرت نرم خود ارزش‌ها و هنجارهای کشور هدف را نشانه رود ارزش‌های خودی، هنجارهای خودی تولید و رفتارهای متناسب با گفتمان ایجاد می‌شود.

مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اقدام مدیریت عالی نهضتی برای ملت‌سازی، تولید ارزش‌های خودی در کشور هدف است. اگر قدرت نرم حریف دچار فرسایش و عدم مشروعیت شد باید، وارد حوزه جنبش‌سازی شد که تشکیل هسته اولیه، ایجاد زیرساخت‌های تشکیلاتی اعم از پرورش کادرهای مدیریتی، تقویت بنیه اقتصادی و نظام مالی، ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، اطلاعاتی، امنیتی، ارتباطات، رسانه‌ای، فناوری و غیره مهم‌ترین محورهای کلیدی آن است.

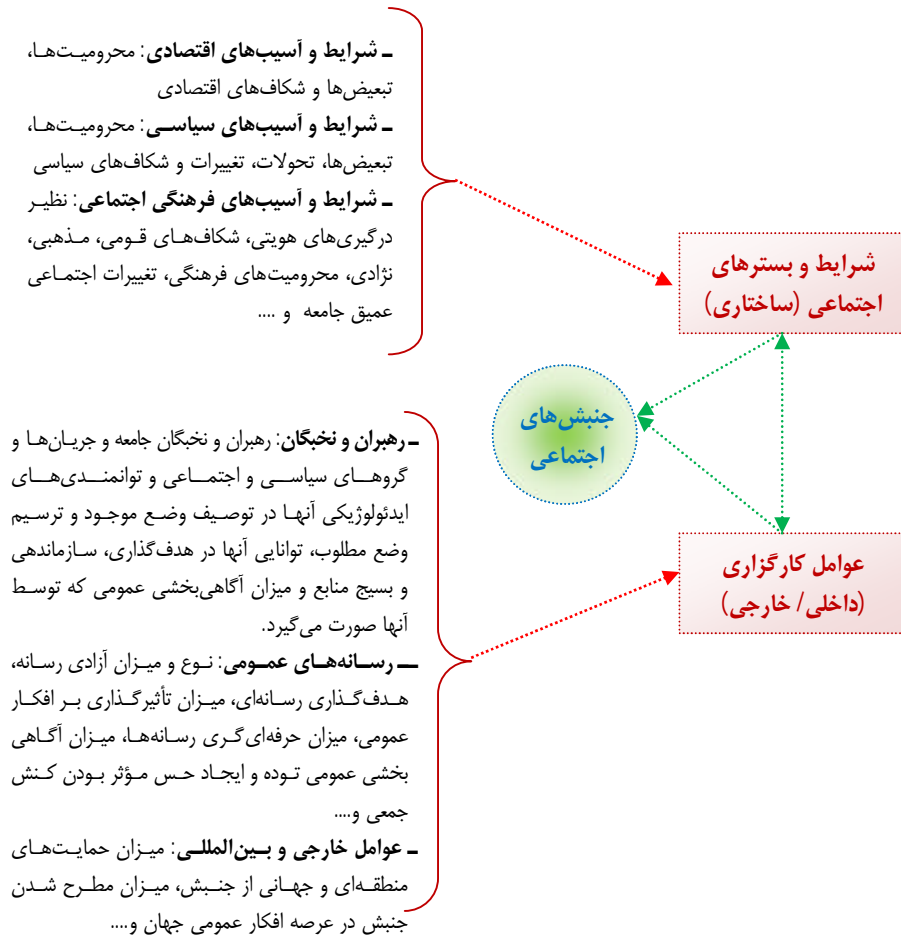




مدیر عالی نهضتی برای اینکه بتواند جنبش تولید شده را فعال نگه دارد، نیازمند آن است که از عوامل زمینه‌ای اجتماعی، نارضایتی عمومی، جریان نخبگی و کارگزاری نهایت استفاده را ببرد تا به جنبش برای رسیدن به قدرت و ایجاد دولت کمک کند. بر همین اساس در حوزه مسائل اجتماعی، ظهور و بروز هر جنبش اجتماعی نیازمند شرایط و زمینه‌های مناسب شکل‌گیری در آن محیط اجتماعی است، یعنی تا زمانی که شرایط و زمینه‌های مساعد شکل‌گیری جنبش در بستر اجتماعی یک جامعه به وجود نیاید، هر چند عوامل مختلف تأثیرگذار دیگری هم وجود داشته باشند، پدیده تکوین نیافته و به ظهور عینی خود نیز نخواهد رسید. در همین رابطه، در حوزه ظهور و بروز جنبش‌های اجتماعی با مجموعه شرایط و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی (ساختاری) برای شکل‌گیری پدیده روبه‌رو هستیم که در کنار عوامل دیگر، نقش مهمی در تکوین، شکل‌گیری و همچنین فرایند امنیتی شدن جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه دارند. این شرایط ساختاری، زمینه مساعد را برای اثرگذاری عوامل کارگزاری و یا ارادی تأثیرگذار بر ظهور جنبش‌های اجتماعی فراهم می‌کنند. بر اساس مدلی که در زیر ارائه شده است، در شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی در فضای اجتماعی، مجموعه شرایط و زمینه‌های ساختاری و چندین عامل بسیار مهم کارگزاری سهم خواهند بود (کریم‌زاده، 1394).



## نمودار: شکل‌گیری جنبش اجتماعی در فضای اجتماعی



اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که یک پدیده اجتماعی از لحظه شکل‌گیری تا لحظه ورود به معادلات سیاسی و امنیتی، باید سه مرحله اساسی را از سر بگذرانند و یا از سه فضای متفاوت عبور کند تا در برخورد با منافع ملی و حیاتی کشور ظاهر گردد.<sup>1</sup> شروع جنبش‌های اجتماعی هم از این قاعده مستثنی نخواهد بود. ابتدا مدیر عالی نهضتی باید زمینه‌های شکل‌گیری پدیده‌های

1. برای مطالعه بیشتر به منبع ذیل رجوع شود:  
- اصغر افتخاری، کالبد شکافی تهدید، دانشگاه امام حسین (ع)، 1385.

اجتماعی را در فضای اجتماعی جامعه به وجود آورد که در صورت عدم مدیریت نخبگان حاکم و بی‌اعتنایی وی به شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه، جنبش اجتماعی به مرور زمان تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی تقویت و وارد فضای سیاسی و در نهایت امنیتی می‌شود. در نتیجه، اساس نظام سیاسی حاکم را به چالش می‌کشاند (کریم‌زاده، 1394) و اینجا بهترین فرصت برای تغییر سیاسی و جابجایی قدرت است.



دولت‌سازی (نظام‌سازی): هنگامی که جنبش‌های اجتماعی و نهضت‌های اسلامی به بلوغ کامل رسیدند، در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند ایجاد دولت اسلامی هستیم. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای حرکت‌های اسلامی و دولت‌های برآمده از آن باید دارای سه ویژگی اسلام‌گرایی، ضد استبدادی (مردم‌سالار دینی) و ضد استکباری باشند (بیانات، اول فروردین 1390 در حرم رضوی). به همین دلیل برای دولت‌سازی، نیازمند یک نظام‌سازی از رهگذر طراحی و تأسیس نظام‌های اجتماعی اسلامی گوناگون مانند نظام سیاسی، نظام اقتصادی، ساختارهای رسانه‌ای و غیره هستیم. مقام معظم رهبری در تحلیل آینده‌بیداری اسلامی خطاب به سران این انقلاب‌ها فرمودند: «مسئله اصلی شما چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود، این همان مسئله مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است (بیانات، 1390/11/14). کم‌توجهی به امر نظام‌سازی برای حرکت‌های تمدنی، تهدیدی جدی به شمار می‌رود. ایشان تصریح کردند: «در کشورهای شمال آفریقا ما یک

تجربه‌ای داریم مربوط به شصت هفتاد سال پیش. اواسط قرن بیستم در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار. در همین مصر انقلاب شد، نتوانستند نظام‌سازی کنند؛ نظام‌سازی نکردند و این موجب شد که نه فقط آن انقلاب‌ها از بین رفت؛ بلکه حتی کسانی که به نام آن انقلاب‌ها سر کار آمده بودند خودشان از این رو به آن رو شدند. صد و هشتاد درجه جایشان را عوض کردند و خودشان هم خراب شدند (بیانات، 1391/09/21). این کار در مسئله نظام‌سازی و مدیریت باید براساس ملاک‌ها و معیارهای اسلامی صورت پذیرد و اگر ما این اشتباه را کردیم و اشتباه نکنیم و در مسئله حکومت و مدیریت و جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش کنیم و به سمت همان فرم‌های رایج دنیا برویم، معنای جامعه اسلامی از بین خواهد رفت و این نقطه، تعیین‌کننده است (بیانات، 1369/4/20).

با توجه به توصیف فوق، کاملاً روشن است که نظام‌سازی و دولت‌سازی نقطه عطف مأموریت مدیر عالی نهضتی است. دولت‌سازی در هر جنبشی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به عبارت دیگر در بلندمدت، شکل نگرفتن فرایند دولت‌سازی بعد از بروز انقلاب، ظرفیت‌های به وجود آمده حاصل آن خیزش و جنبش را هدر خواهد داد. نظام‌سازی با نگارش قانون اساسی آغاز می‌شود. بیشتر نهضت‌ها زمانی به بلوغ و رشد می‌رسند که به قدرت رسیده باشند و لازمه حضور در قدرت، علاوه بر نیازهای مادی و ابزاری، مشروعیت است. مشروعیت مردمی و دینی، زمانی عینی می‌شود که قانونی شود و قانون اساسی هر کشور مهم‌ترین سند قانونی و بالا دستی است و تا قانون اساسی خوب نوشته نشود، نظام‌سازی هم شکل نخواهد گرفت. روند پیچیده و گسترده دولت‌سازی و نظام‌سازی را می‌توان در چهار عرصه بررسی کرد:

اول: خاستگاه بیرونی و یا درونی دولت؛

دوم: ابزارها و منابع (مادی و یا درونی دولت‌سازی)؛



سوم: نیروهای عمده (موافق) و مخالف شرکت‌کننده در دولت؛  
چهارم: عناصر عمده لازم برای ساخت دولت که خود شامل چهار مؤلفه  
(حوزه) برقراری نظم، بروکراسی، نهادسازی و توسعه‌گرایی است (قبادی، 1391).  
علاوه بر موارد فوق مسائلی مانند مؤلفه‌های ایدئولوژی و رهبری، کادرسازی،  
نهادسازی و کاهش هزینه‌ها، مدیریت انگیزش و افکار عمومی و آماده‌سازی مردم  
در نظام‌سازی بسیار مؤثر است.

از آنجا که بعد از به قدرت رسیدن و دستیابی به دولت تمام وظایف امنیتی،  
معیشتی و خدمات‌رسانی به عهده جنبش قرار می‌گیرد کادرسازی و آموزش یکی  
از مهم‌ترین بخش‌های نظام‌سازی است؛ از این رو مدیریت عالی نهضتی وظیفه  
دارد با آموزش همه‌جانبه مدیران نهضتی، تلاش چندین ساله گذشته را به منزل  
مقصود برساند. آموزش، مهم‌ترین بخش در نظام‌سازی است و مدیران نظام آینده  
اولاً باید مطابق با ارزش‌های تمدن نوین اسلامی آموزش ببینند و در وهله دوم،  
آموزش‌های مدیریتی و تخصصی در حوزه‌های خدمات‌رسانی، سیاسی و امنیتی،  
اقتصادی مالی و غیره موجب کارآمدی دولت برخوردار از نهضت خواهد شد و  
زمینه‌های تداوم قدرت و مشروعیت دولت نهضتی را فراهم خواهد ساخت.

حفظ و بسط قدرت دولت نهضتی: زمانی که مدیر عالی نهضتی در حلقه اول  
مأموریتی، اقدام به تولید جنبش و نهضت کرد و در قدم بعدی، نهضت را با  
نظام‌سازی و دولت‌سازی به قدرت رساند نباید گمان کند که مأموریتش به پایان  
رسیده است، بلکه کار مهم و حیاتی، حفظ قدرت دولت نهضتی و مقابله با  
تهدیدات نرم و سخت است. هر حکومت و یا جامعه‌ای در طول حیات خود  
گرفتار مشکلات، دشواری‌ها، تضادها و آسیب‌هایی می‌شود که اگر راه‌حلی را  
برای آنها جست‌وجو نکند طریق زوال و انحطاط را می‌پیماید. با مطالعه  
انقلاب‌های بزرگ گذشته درمی‌یابیم که مصلحان اجتماعی، گام‌های اولیه را با  
موفقیت برمی‌دارند و حکومت را ساقط و وضعیت جدیدی را بر جامعه تحمیل



می‌کند و تمام ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را متحول می‌سازند؛ ولی در تحقق اهداف انقلاب و بنای جامعه‌ایده‌آلی که مطلوب همگان باشد، دچار چالش هستند. چه بسا انقلاب‌ها و جنبش‌هایی که با زحمت‌ها و خون‌های فراوان به قدرت رسیدند، اما در میانه راه از مسیر خارج شدند یا تغییر رفتار دادند و سرنگون شدند. به طور کلی تمامی دولت‌ها به ویژه دولت‌های مردمی و اسلامی با سه تهدید مهم روبرو هستند؛



منظور از تهدیدات خارجی، آن دسته از تهدیداتی است که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای مداخله‌گر دولت نهضتی را با خطر سرنگونی مواجه می‌سازند و از طریق کودتا، حمله نظامی مستقیم، جنگ‌های نیابتی، انقلاب‌های رنگی و غیره، آن را سرنگون می‌سازند. به همین دلیل، دولت نهضتی باید دارای قدرت بالای نظامی، اطلاعاتی و غیره باشد که اولاً در برابر تهدیدات مستقیم خارجی قدرت دفاع داشته باشد و یا دارای چنان قدرت عظیم و بزرگی باشد که با موازنه قدرت و تهدید، امکان اقدام نظامی را غیرممکن سازند و در واقع دارای قدرت بازدارندگی باشند.

اما یکی از خطرناک‌ترین تهدیدات دولت نهضتی، تغییر در افکار و محاسبات و رفتار نخبگان حاکم است. از مجموع بیانات مقام معظم رهبری که قبل و به



ویژه بعد از بیداری اسلامی درباره تهدیدات بیرونی و درونی جنبش‌های اسلامی ایراد فرمودند، می‌توان به موارد مهمی اشاره کرد که در جدول ذیل آمده است:

### آسیب‌های پیش روی نهضت‌های اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

آسیب‌های بیرونی	آسیب‌های درونی
پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی غربی	سست شدن عزم‌ها
نفوذ میان انقلابیون	کم‌شدن انگیزه
خرید عناصر سست	احساس پیروزی و راحتی خیال
ایجاد هرج و مرج	سهم خواهی در غنیمت
حصص اقتصادی	مرعوب شدن از هیمنه مستکبران
ناامید کردن مردم	اعتماد به دشمن
ترور نخبگان	مغرور شدن
بد نام کردن نخبگان انقلاب	روی کار آمدن افراد وابسته
جنگ داخلی بین ادیان و اقوام	حاشیه راندن جریان‌های اصیل انقلاب

اما مشکل و تهدید مهم دیگر حکومت‌های برآمده از نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی، بحران مشروعیت و ناکارآمدی آن است. در گفت‌وگو ایجابی امنیت،<sup>1</sup> صرفاً نبود تهدید معیار تعریف امنیت نیست و از آن به شرط لازم و نه شرط کافی تعبیر می‌شود. عامل اصلی در تحقق امنیت در این گفت‌وگو، عنصر رضایت است که در تعریف امنیت ایجابی دخالت می‌کند و می‌توان آن را چنین تعریف کرد:

«امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها از یک سو و داشته‌ها از سوی دیگر، نسبتی متعادل وجود دارد؛ به گونه‌ای که در چارچوب سرمایه اجتماعی، نوعی رضایت را نزد بازیگران تولید می‌کند» (افتخاری، 1390: 17).

مدیر عالی نهضتی باید توجه کند اگر دولت نهضتی توانایی حل مشکل مردم را ندارد، اجازه ندهد به طور مستقیم وزارت‌خانه‌های معیشتی و خدماتی را به عهده بگیرد، زیرا ناکارآمدی، مشروعیت و سرمایه اجتماعی دولت برآمده از



نهضت را نابود می‌سازد. در ادامه برای تحلیل گفتمان ایجابی به موضوع سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی می‌پردازیم:

### سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را می‌توان مفهومی محوری در حوزه مطالعات سیاسی اجتماعی ارزیابی کرد. در واقع سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ای محسوس در یک اجتماع است که در طول زمان و بر اساس عقلانیت و نیک‌خواهی شکل می‌گیرد و منشأ آن هنجار و اعتماد در ارتباط متقابل انسانی است که در ساختار رهبری، خانواده و سازمان قابل مشاهده است. سرمایه اجتماعی را به صورت کوتاه و ساده‌تر می‌توان چنین تعریف کرد: «وجود روابط عمیق به معنای وجود اعتماد است و گستردگی روابط در جامعه، نشان‌دهنده وجود شبکه اجتماعی روابط متقابل در جامعه است».

موضوع سرمایه اجتماعی در مدت زمان اندکی توانسته است در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مطرح شود، به‌گونه‌ای که امروزه اندیشه‌گران، تحلیل موقعیت جوامع مختلف را بدون توجه به سرمایه اجتماعی آنها غیرممکن می‌دانند. با این حال توجه تحلیلگران سیاسی و امنیتی به این موضوع از اهمیتی دو چندان برخوردار است، زیرا سرمایه اجتماعی برای آنها به مثابه منبع منحصر به فردی برای امنیت‌سازی و مشروعیت مطرح است. دلیل این مسئله، این است که چنین منبع قدرتی برخلاف منابع سخت‌افزاری یا منطق حاصل جمع صفر (برد- باخت) کار نمی‌کند و تابع منطق با حاصل جمع مثبت (برد- برد) است. با این تفسیر مشخص می‌شود که جوامع از ناحیه افزایش اعتماد به نفس ملی‌شان می‌توانند در چند سطح به افزایش شأن اجتماعی و در نتیجه تقویت جامعه کمک کنند:

1. اعتماد ملی به تقویت جایگاه دولت نهضتی کمک می‌کند و در نتیجه دولت‌ها قادر خواهند بود با شیوه بهتری از عهده سیاست‌های امنیتی و سیاسی





خود در سطح جامعه برآیند.

2. اعتماد ملی به تولید و تقویت سایر مؤلفه‌های اجتماعی جامعه کمک می‌کند (مانند اعتبار، اعتماد به دولت، اصلاح شبکه روابط اجتماعی و...) و از این طریق، جامعه را در تحقق اهداف امنیتی‌اش یاری می‌رساند (افتخاری، 1389).

به نظر می‌رسد که در ارتباط با دولت‌های نهضتی شاخص‌های زیر بیشترین نقش را در افزایش سرمایه اجتماعی آنها دارند:

1. افزایش کارآمدی: دولت باید بتواند گسست میان خواسته‌های بحق مردم و خدمات دولتی را کاهش دهد و مردم آن را دولتی خدمتگزار بدانند. هر چه دولت در انجام مسئولیت‌های خود در برابر مردم و تأمین نیازمندی‌های آنان ناتوان‌تر باشد، ائتلاف سرمایه اجتماعی بیشتر خواهد بود.

2. کاهش فساد: نفوذ فساد (در انواع مختلف اداری، اقتصادی، فرهنگی و...) به درون ساخت رسمی قدرت می‌تواند به زوال سرمایه اجتماعی منجر شود. بنابراین مقابله قاطع و جدی با فساد در بدنه قدرت، ضامن صیانت از سرمایه اجتماعی و افزایش آن است.

3. رفع تعارضات ساختاری: بروز تنش در درون ساخت رسمی قدرت و تقابل نیروهای اصلی تصمیم‌ساز در هر سطح و اندازه‌ای که باشد، به افت سرمایه اجتماعی منتهی می‌شود. بنابراین تحصیل وحدت در درون ساخت رسمی قدرت و تقویت آن، گام نخست در پاس‌داشت سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید.

4. مشارکت جویی: دولت موظف است تا زمینه لازم را برای مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف اعمال مشروع قدرت فراهم کند و از بروز گسست «مردم - حکومت» ممانعت به عمل آورد. هر روندی که دولتمردان را از مردم دور سازد، روندی منفی برای سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید.

5. قدردانی: قدرت سیاسی موظف است نسبت به سرمایه‌های خود قدردان باشد و به این ترتیب، نیروهای وفاداری را که به‌رغم تعداد محدودشان در

بحران‌ها مسئولیت اصلی را به دوش می‌گیرند، برای خود نگه دارد. قدردانی از این سرمایه‌ها دو تأثیر مهم دارد؛ نخست به حفظ آنها کمک می‌کند و مانع از هدر رفتن آنها می‌شود و دیگر آنکه جامعه را تهییج و به دیگران نیز القا می‌کند که در صورت فداکاری و حضور مؤثر، مورد بی‌مهری قرار نخواهند گرفت. در پایان، راهکارهای مقابله با آسیب‌های جنبش‌ها و دولت‌های اسلامی در قدرت از دیدگاه مقام معظم رهبری را می‌آوریم:



### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) و در ادامه با رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، به دنبال ایجاد تمدن نوین اسلامی در سراسر جهان است. این تمدن، ابتدا با ملت‌سازی و ایجاد ارزش‌های والای انسانی و ساخت انسان توحیدی آغاز می‌گردد. جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی و امت اسلامی از اتحاد و وحدت کلمه



ملل اسلامی به وجود می‌آیند و زمانی به بلوغ کامل خواهند رسید که به دولت و قدرت دست یابند. در واقع بدون دولت و حاکمیت، توحید قدرت واقعی شکل نخواهد گرفت. از این رو جنبش‌ها نیاز به دولت‌سازی و نظام‌سازی ذیل ارزش‌های توحیدی دارند. بدون تردید، استکبار جهانی و نظام سلطه در غالب استعمار کهن، نو و فرانو به دنبال اشغال سرزمین‌ها، حکومت‌ها و انسان‌ها هستند تا بتوانند منافع نامشروع خود را تأمین و تمدن سکولار و لیبرال را جهانی کنند. همان‌طور که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و کلام رهبران انقلاب اسلامی آمده است جمهوری اسلامی ایران، وظیفه ایجاد تمدن نوین اسلامی را برعهده دارد و در همین راستا از مظلومان و مستضعفان جهان حمایت می‌کند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مدیریت عالی نهضتی بدون یک برنامه مدون و چشم‌انداز روشن نمی‌تواند به اهداف عالی انقلاب اسلامی دست یابد و به همین دلیل، مأموریت‌هایی را برعهده دارد.

در این مقاله ابتدا روشن ساختیم که مدیر عالی نهضتی بر اساس مبانی دینی و قرآنی و برای تحقق تمدن نوین اسلامی باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد. مدیریت جهادی ابتدا باید خود را بسازد و به اخلاق اسلامی عمل کند و با علم مدیریت اسلامی آشنا شود. پس اولین حلقه، انتخاب و آموزش نیروی انسانی و مدیر شایسته است. آنگاه مدیریت شایسته عالی نهضتی برای سه مرحله مهم مأموریتی آماده می‌شود. البته پیش از آن پیشنهاد می‌شود که مدیر با تخصص علم مدیریت، مطالعات منطقه‌ای، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی مردم‌شناسی، حقوق بین‌الملل و... آشنا گردد. برنامه‌ریزی برای تشکیل هسته‌های مقاومت و جنبش‌های اسلامی، دولت‌سازی و نظام‌سازی و در نهایت حفظ دولت‌های به قدرت رسیده در محیط بین‌المللی از سرفصل‌های مهم مأموریتی مدیر عالی نهضتی است. در پایان، نموداری از مبانی و مأموریت‌های مدیریت عالی نهضتی می‌آید:





### منابع و ماخذ

- افتخاری، اصغر (1389)، «اعتماد ملی و امنیت اجتماعی: رویکرد اسلامی» در: فرسایش قدرت نرم مردم دولت‌ها و اعتماد تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (1389)، فرهنگی شدن امنیت رویکردی نرم افزارانه در: افتخاری و همکاران، قدرت نرم فرهنگ و امنیت، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دهم.
- افتخاری، اصغر (1385)، کالبد شکافی تهدید، دانشگاه امام حسین (ع).
- افتخاری، اصغر (1390)، «مهنا و مقام امنیت نرم در گفتمان اسلامی، درآمدی بر نظریه دفاع الهی» در: مجموعه مقالات امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران جلد اول، تهران انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- ایزدی، بیژن (1381)، درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (قم، انتشارات بوستان کتاب قم، چاپ چهارم.
- بهمنی، محمدرضا (1393)، تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران) فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان.
- خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، جلد 6.
- دانشگاه جامع امام حسین (ع)، مرکز امامت (1393)، فرماندهی و مدیریت اسلامی راه‌جویی از اندیشه‌ها و آرا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی).



- داوری، دردانه و شانه‌ساززاده، محمدحسن (1380)، مدیریت استراتژیک از تئوری تا عمل، تهران، آتنا، چاپ اول.
- موسوی‌نیا، سیدرضا (1394)، گزارش راهبردی مدیریت جنبش‌های اجتماعی اسلامی و تبدیل آن به نظام سیاسی مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- قبادی، خسرو و همکاران (1391)، پروژه دولت‌سازی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی.
- کریم‌زاده، علی (1394)، گزارش راهبردی، مدیریت روندهای اجتماعی برای تبدیل آنها به جنبش‌های اجتماعی، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.

